

تحلیل روان شناختی آسیب رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی

Psychological Analysis of Social Harm Based on Islamic Sources

Mohammad Mahdavi Nia¹Mohammad Mahdi Safurayi (Corresponding Author)²محمد مهدوی نیا^۱محمد مهدی صفورایی (نویسنده مسئول)^۲

Abstract

The present study was conducted with the aim of providing a psychological analysis of social harm based on Islamic sources. The research sought to identify the components of social harm derived from Islamic texts, examine their validity and reliability, and explore the underlying factors and harmful consequences associated with them. The method employed was qualitative content analysis of religious texts, which is applicable for understanding and inferring psychological teachings from Islamic sources. In the first stage, words and propositions related to social harm were collected from Islamic texts. In the next stage, concepts and propositions with weaker relevance to social harm were excluded, and the remaining words and propositions were analyzed using principles of text preprocessing such as synonymy, polysemy, antonymy, and lexical domains to identify the components of social harm. The findings revealed four major components: (a) physical aggression, including torture and murder; (b) verbal aggression, including slander and gossip, ridicule and mockery, backbiting, accusation and defamation, disclosure of secrets, sarcasm, and abusive language; (c) violation of others' rights, including withholding workers' wages, exploitative brokerage, consuming the property of orphans, and breaking promises and covenants; and (d) social conspiracy, including deceit, trickery, and lying. Each of these components, along with 27 related causes and consequences, was identified in Islamic sources and validated by experts.

Keywords: Social harm, antisocial behaviors, behavioral pathology, Islamic sources, Quran-based psychology.

1. PhD Student in Quran and Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Associate Professor of Educational Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. safurayi@gmail.com
Received: July 16, 2025
Accepted: August 26, 2025

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل روان شناختی آسیب رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی انجام شده است. این پژوهش به دنبال به دست آوردن مؤلفه های آسیب رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی و روایی و پایایی آن و همچنین عوامل زمینه ساز و پیامدهای آسیب زای آن است. روش به کار رفته در این پژوهش، تحلیل کیفی محتوای متون دینی بود که برای فهم و استنباط آموزه های روان شناختی از منابع اسلامی کاربرد دارد؛ بدین منظور در مرحله اول واژه ها و گزاره هایی که با آسیب رسانی اجتماعی ارتباط داشت از منابع اسلامی گردآوری شد. در مرحله بعد، مفاهیم و گزاره هایی که کمتر با آسیب رسانی اجتماعی ارتباط داشتند کنار گذاشته شدند و واژه ها و گزاره های باقی مانده با استفاده از اصول پیش پردازش متن مانند هم معنایی، چندمعنایی، تقابل معنایی و حوزه واژگانی به منظور دستیابی به مؤلفه های آسیب رسانی اجتماعی تحلیل و بررسی شد. یافته ها در این مرحله چهار مؤلفه بود: الف) آزارگری جسمی مشتمل بر شکنجه و قتل؛ ب) آزارگری زبانی مشتمل بر سخن چینی و نمایی، استهزاء و تمسخر، غیبت، تهمت و افترا، افشای اسرار، نیش زبان و ناسزاگویی؛ ج) زیرپا گذاشتن حق دیگران مشتمل بر عدم پرداخت دسترنج کارگران، دلالان سودجو، خوردن حق یتیم، شکستن عهد و پیمان؛ د) توطئه گری اجتماعی مشتمل بر مکر، نیرنگ و دروغ گویی. هر یک از این مؤلفه ها به همراه ۲۷ علت و پیامد مربوط به هر مؤلفه در منابع اسلامی به دست آمد و به تأیید کارشناسان رسید.

واژه های کلیدی: آسیب رسانی اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی، آسیب شناسی رفتاری، منابع اسلامی، روان شناسی قرآن بنیان

۱. دانش پژوه دکتری قرآن و روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دانشیار روان شناسی تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. safurayi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۴

مقدمه

آسیب‌رسانی اجتماعی که اغلب به عنوان مردم‌آزاری از آن یاد می‌شود، موضوعی است که در روان‌شناسی اهمیت ویژه‌ای دارد. آسیب‌رسانی اجتماعی ماهیتی مزمن دارد که در حالت شدید آن، قربانی ممکن است متحمل جراحات جدی شود یا جان خود را از دست دهد.

آسیب‌رسانی اجتماعی حالتی است که فرد رفتارهای بی‌رحمانه، تهاجمی و تحقیرآمیز بروز می‌دهد؛ آزدن و رنجاندن، اذیت و آزار کردن، خشونت و سوء استفاده از نشانه‌های بارز در روابط اجتماعی این اشخاص است؛ چنین افرادی فاقد همدلی و نگرانی نسبت به دیگران هستند و از تحقیر کردن و رنج کشیدن دیگران لذت می‌برند.

می‌توان آسیب‌رسانی را معادل واژه انگلیسی harm دانست. این واژه را معمولاً به آزار، اذیت و ایذا ترجمه می‌کنند، نکته مهم در معنای واژه ایذا، پدیدآیی حالت منافر با طبع و ناخوشایند در شخص یا اشخاصی است که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

ریچارد فریه^۱ در قرن نوزدهم میلادی این عبارات را در علم روانکاوی مطرح ساخت و از متحول شدن مفاهیم دیگرآزاری و خودآزاری در علم پزشکی گفتگو کرد که به برداشت‌های دوران اخیر از این مباحث به عنوان پارافیلیا^۲ انجامید و در راهنمای علائم و نشانه‌های ناهنجاری‌های ذهنی DSM به آن اشاره شد؛ بدین جهت در طبقه‌بندی DSM-III در سال ۱۹۸۰ میلادی دیگرآزاری به عنوان اختلال روانی دسته‌بندی شد درحالی‌که از زمان انتشار طبقه‌بندی DSM-IV در سال ۱۹۹۴، از آن به عنوان یک ویژگی شخصیتی نام برده می‌شود؛ بنابراین دیگرآزاری به صرف وجود داشتن بیماری نیست و در افراد و جوامع گوناگون مرزها و محدودیت‌های متفاوتی دارد. کارن هورنای^۳ و اریک فروم^۴ (۱۹۴۲) از روان‌شناسان نوفرویدی نیز این پدیده را بررسی کردند. از دیدگاه هورنای فرد مازوخیست خود را زیر چتر حمایت دیگران قرار می‌دهد و با زیرپا گذاشتن فردیت و مستهلک شدن در «طرف» تا حدی ایمنی به دست می‌آورد. این‌گونه ایمنی بدان می‌ماند که کشوری کوچک با تسلیم حقوق و استقلال خود به کشور بزرگ‌تر و متجاوز به امنیت برسد و مورد پشتیبانی آن کشور قرار گیرد (هورنای، ۲۰۲۱: ۲۴۹).

اریک فروم (۱۴۰۰) با اینکه بیشتر از دیدگاه اجتماعی به این پدیده نگاه می‌کرد، اما نظری

1. Richard Freiherr

2. Paraphilia

3. Karen Horney

4. Erich Fromm

مشابه هورنای داشت. فروم بر این عقیده بود که در افراد مازوخیست هراسی بزرگ از تنهایی و ناتوانی موج می‌زند؛ از این رو برای رهایی از قید مسئولیت و تصمیم‌گیری می‌کوشند تا جزئی از کل نیرومندتری شوند که بیرون از آنهاست. این کل نیرومند ممکن است یک شخص یا یک مؤسسه، خدا، ملت، وجدان یا وسواسی روانی باشد. فروم در مورد سادیسم (نقطه مقابل مازوخیسم) معتقد بود ماهیت سائق‌های سادیستی، لذتی است که از برتری و غلبه بر کسی دیگر حاصل می‌شود و همان‌گونه که تسلط حالت انحرافی قدرت می‌باشد، سادیسم جنسی نیز صورت منحرف محبت جنسی است؛ زیرا عشق و محبت بر برابری و آزادی استوار است و اگر بر از دست رفتن تمامیت یکی از طرفین مبتنی شد، دیگر عشق نیست.

به باور فروید این مؤلفه ناشی از ناکامی است. اشخاص ناکام، به ویژه نوجوانان در اثر ناکامی خشمگین می‌شوند و از نظر فیزیولوژی، دستگاه وجودی آنان با یک حمله سریع و با نیروی بسیار شدید، علیه شخصی که مانع رشد آنان و یا تحقق امیالشان شده به مبارزه برمی‌خیزند (صلاحی، ۱۳۷۶). مطالعات در این باره نشان می‌دهد که این افراد، نه تنها از آزار رساندن به دیگران لذت می‌برند بلکه از مشاهده آزار دیدن افراد از سوی دیگران نیز لذت می‌برند. آسیب‌رسانی اجتماعی با وجود تنفر و بیزاری جامعه از آن در تمامی ادوار تاریخ زندگی اجتماعی و تعامل افراد، گروه‌ها، نهادها، ملت‌ها و دولت‌ها حضور داشته است (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۰). برخی متخصصان روان‌شناسی و روان‌پزشکی بر این باورند که ریشه‌های آزارگری را باید در دوران کودکی جستجو کرد و برخی دیگر به نقش احتمالی عوامل زیستی اشاره کرده‌اند (اروین جی. ساراسون؛ باربارا آر. ساراسون، ۲۰۰۵).

فرد آزاررسان به طور عمدی دیگران را می‌زند، یا تلاش می‌کند آنها را اذیت کند و یا به افراد قربانی صدمه و آسیب می‌رساند (الویس، ۱۹۹۳). آزاررسانی می‌تواند استفاده کردن از اختیارات مقام یا تنومند بودن در جهت خرابکاری، به وحشت انداختن یا تهدید کردن شخص دیگری باشد. این عمل در قربانی احساسی از ترس، ضعف، بی‌کفایتی و خجالت باقی می‌گذارد (فاترمن، ۲۰۰۴). تحقیقات درباره مسائل مرتبط با زورگویی نشان می‌دهند که پیامدهای درازمدت شدیدی هم برای قربانیان و هم برای آزاررسانان وجود دارد (مسی، ۲۰۰۲). آزاررسانی می‌تواند نتایج منفی اجتماعی، عاطفی و فیزیکی برای قربانیان قلدری و کسانی که مرتکب قلدری می‌شوند به همراه داشته باشد (دوکر، استین و زان، ۲۰۰۹). قربانیان، علائم جسمانی مانند اختلالات خواب،

شب‌اداری، خستگی و... نشان می‌دهند (ولیامز، چمبرز لوگان و رابینسون، ۲۰۰۴؛ ریگی، ۲۰۰۱). اگر قربانی بدون درمان باقی بماند، می‌تواند به افسردگی، اختلال پس از ضربه، ترک تحصیل از مدرسه و حتی خودکشی بینجامد (ینگ کیم، کیم شین یون، ۲۰۰۶؛ توترا، گرین کارور و گستن، ۲۰۰۸). با توجه به نتایج مطالعات افراد آزارپذیر و آزاررسان نسبت به افراد عادی، افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند و بیشتر در معرض خودکشی و گوشه‌گیری هستند (وانگ، نانسِل و آینوتی، ۲۰۱۰؛ اوکی و اصلان، ۲۰۱۰).

آسیب‌رسانی به اختلال در عملکرد روابط اجتماعی و بین فردی می‌انجامد (مظلومی میرزایی و محمدی، ۲۰۰۹). افرادی که مورد آسیب قرار می‌گیرند انرژی خود را در جامعه صرف این ترس و نگرانی می‌کنند که آنها دوباره چه زمان و چگونه مورد آزار قرار خواهند گرفت، حتی آنان ممکن است از رفتن به اجتماع اجتناب کنند (سعیدی، ۱۳۸۹).

در پژوهش انجمن سلامت و خدمات رفاهی آمریکا مشخص شد که این مشکل در اوایل نوجوانی (۱۴۱۱ سالگی) شدت بیشتری می‌یابد (هدایتی، ۱۳۹۰). آسیب‌رسانی نه تنها به قربانیان آسیب وارد می‌کند بلکه رشد خود افراد آزاررسان را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد؛ افراد آزاررسان نسبت به افراد آزارپذیر به احتمال بیشتری از سوی همسالان خود طرد می‌شوند (پدرسون ویتارو بارکر و بورج، ۲۰۰۷).

در سال‌های اخیر روان‌شناسان زیادی مثل رایان و همکاران (۲۰۰۱)، نگ هیس و همکاران (۲۰۱۴)، زازینگکوسیک (۲۰۱۵)، دی برون (۲۰۱۶) به بررسی جامعه‌ستیزی پرداختند.

بررسی و تحقیق در این حوزه امری اجتناب‌ناپذیر و حیاتی برای حل مشکلات و چالش‌های اجتماعی است. آسیب‌های اجتماعی ازجمله مسائل و مشکلاتی هستند که می‌توانند تأثیرات منفی جدی بر افراد، خانواده‌ها و جامعه داشته باشند؛ در این راستا پژوهش در زمینه آسیب‌رسانی اجتماعی به دلیل ضرورت‌های فراوان همچون شناخت علل و پیامدها، طراحی راه‌حل‌های مناسب و پیشگیری از آسیب‌ها یک نیاز اساسی است.

آنچه روان‌شناسان درباره آسیب‌رسانی اجتماعی بیان کرده‌اند، براساس یافته‌های تجربی بوده است؛ درحالی‌که در منابع دینی و به‌ویژه آیات و روایات، آموزه‌ها و مفاهیم زیادی وجود دارد که به حوزه آسیب‌رسانی اجتماعی مربوط می‌شود. در قرآن به آسیب‌رسانی اجتماعی توجه ویژه‌ای شده است. آسیب‌رسانی ممکن است به صورت روانی یا جسمی صورت گیرد. خداوند در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات به نمونه‌هایی از آسیب‌رسانی روانی به شکل

عیب جویی، استهزا، تهمت، تجسس و غیبت اشاره فرموده و آن را منع کرده است؛ همچنین خداوند در سوره بقره، آیات ۸۴ و ۸۵ به نمونه دیگری از آسیب‌رسانی که به صورت جسمی صورت می‌گیرد، یاد کرده و همگان را از آن نهی می‌کند.

ویژگی‌های آسیب‌رسانی اجتماعی در منابع روان‌شناسی با برخی از رذائل اخلاقی در منابع اسلامی مرتبط است. سلیگمن (۱۳۷۹) نشانگرانی مانند بی‌قانونی، دزدی، تخلف از مقررات، دروغ، تقلب، تخریب و تجاوز به اموال دیگران را برای آسیب‌رسانی اجتماعی بیان می‌کند. بارلو و دیورند^۱ (۲۰۰۰) نقص حقوق اجتماعی را از نشانگان اصلی آن می‌دانند که می‌توان آن را در منابع اسلامی با عنوان آسیب‌رسانی اجتماعی یافت. در دین اسلام به انواع آسیب‌رسانی‌های اجتماعی اشاره می‌شود.

در فرهنگ دهخدا معنای آزار و آسیب‌رسانی را ایذاء، اذیت، آزار، رنج، درد و الم برمی‌شمرد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲: ۸۷). ایذاء از ریشه «أذى» به معنای آزار رساندن به دیگری است. راغب می‌نویسد: «الَّذِي مَا يَصِلُ إِلَى الْحَيَوَانِ مِنَ الضَّرَرِ، إِمَّا فِي نَفْسِهِ أَوْ جِسْمِهِ أَوْ تَبَعَاتِهِ دُنْيَوِيًّا كَأَن أَوْ أُخْرَوِيًّا» (راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۱، ذیل «أذى»); أذى زبانی است که به جاندار می‌رسد، به جانش یا به جسمش و یا به پیامدهای دنیوی و یا اخروی‌اش.

در قرآن و حدیث، کلمه «أذى» گاه به معنای ایجاد مزاحمت برای دیگران و تجاوز به حقوق آنان می‌آید، مانند: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا مَا اكْتَسَبُوا؛ وَكَسَانِي كِه مردان و زنان مؤمن را بدون آن كه گناهی كرده باشند، می‌آزارند» (احزاب/۵۸); گاهی به معنای اجرای قانون الهی درباره مجرم به كار می‌رود، مانند: «وَالَّذَانِ يَأْتِيَنِهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا؛ از میان‌تان، آن دو تن را كه مرتكب زشت‌كاری می‌شوند، آزار دهید [و قانون را درباره شان اجرا كنید]» (نساء/۱۶). گاه به معنای تحمل رنج در راه انجام دادن وظیفه آمده است، مانند: «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِ وَفَتَلُوا؛ و کسانی كه هجرت كردند و از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند و در راه من آزار داده شدند» (آل عمران/۱۹۵) و گاه به معنای ناراحتی و رنج طبیعی آمده است، مانند: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى؛ و از تو درباره حیض می‌پرسند، بگو آن، رنجی است» (بقره/۲۲۲) و همچنین این آیه: «فَنَ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ؛ و هر كس از شما بیمار باشد یا در سرش ناراحتی داشته باشد» (بقره/۱۹۶).

مفهوم آسیب‌رسانی اجتماعی در قرآن در بیشتر موارد به معنای آزردن، رنجاندن و در قالب‌های مختلفی مثل عیب‌جویی و استهزاء، تهمت و تجسس وارد شده است.

تحلیل روان‌شناختی آسیب‌رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی کمک می‌کند تا بررسی دقیقی از آن و مؤلفه‌هایش شود که تأثیر بسزایی در تربیت و تعلیم افراد دارد؛ همچنین تحلیل به دست آمده متناسب با فرهنگ اسلامی و برگرفته از وحی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام است و می‌تواند آموزه‌های اسلام را تقویت کند. البته آنچه به عنوان آسیب‌رسانی اجتماعی و مؤلفه‌هایش در ادبیات روان‌شناسی امروز از آن سخن می‌گویند برگرفته از مبانی نظری غیردینی هست و چه بسا تعمیم آن به جامعه‌مان که فرهنگ اسلامی ایرانی دارد مناسب نباشد. پژوهش حاضر درصدد تحلیل روان‌شناختی آسیب‌رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی است. با توجه به موضوع پژوهش حاضر و تحلیل روان‌شناختی آسیب‌رسانی اجتماعی، سازه‌ها، مفاهیم و موضوعات مرتبط با آسیب‌رسانی اجتماعی در روان‌شناسی و به ویژه منابع اسلامی بررسی و پس از آن مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی (شامل اجزا، عوامل، پیامدها) به طور منطقی از راه مفاهیم مرتبط با یکدیگر بیان می‌شود. این کار موجب شده روابط عمده در میان جنبه‌های مزبور مشخص گردد و سرانجام امکان آزمایش تجربی آن (ساخت مقیاس، پژوهش تجربی) با توجه به ماهیت این روابط فراهم شود. به طور خلاصه باید گفت تحلیل روان‌شناختی آسیب‌رسانی اجتماعی نظامی متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌هاست که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز برای آزمون فرضیه‌ها را تسهیل می‌کند.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل روان‌شناختی آسیب‌رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی در پی پاسخ به این سؤالات است:

۱. مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی براساس منابع اسلامی چیست؟
۲. روایی و پایایی آن چه میزان است؟
۳. عوامل زمینه‌ساز و پیامدهای آسیب‌زای آن چیست؟

روش پژوهش

این تحقیق، کیفی و از نوع تحقیقات بنیادی نظری است. در این پژوهش با توجه به متن‌محور بودن آن از روش «تحلیل کیفی محتوای متون دینی» استفاده می‌شود که برای فهم و استنباط آموزه‌های روان‌شناختی از منابع اسلامی کاربرد دارد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵).

مراحل تحلیل کیفی محتوای متون دینی بدین شرح است: مرحله اول، مشاهده نظام‌مند؛ مرحله دوم، غرقه شدن در محتوا؛ مرحله سوم، صورت‌بندی یافته‌ها و مرحله چهارم: بازآفرینی و ارائه. هر مرحله نیز از چندین گام تشکیل شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن می‌باشد که در آن پژوهشگر داده‌های متنی (مفاهیم، گزاره‌های متون دینی) را با اصول معناشناسی آن‌قدر کندوکاو و تحلیل می‌کند تا به ساخت‌های کلی معنا دست یابد. منظور از پردازش فعال متن عبارت از عملیاتی است که در آن داده‌ها گردآوری، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی و به شکل تازه‌ای کنار یکدیگر قرار گیرند (شجاعی، ۱۳۹۹). جامعه آماری (اسنادی) پژوهش، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با آسیب‌شناسی اجتماعی موجود در آیات و روایات می‌باشد که به صورت گفتاری یا نوشتاری جمع‌آوری و ارائه شده است. نمونه در پژوهش حاضر عبارت از هر واژه، عبارت یا گزاره‌ای است که در مفهوم‌شناسی آسیب‌رسانی اجتماعی کاربرد داشته باشد. روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای یا شبکه‌ای^۱ خواهد بود. بنابر نظر شولتز^۲ و دیگران (۲۰۱۴) برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده براساس نظر کارشناسان از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR^۳) و شاخص روایی محتوا (CVI^۴) استفاده می‌شود.

یافته‌ها

پس از گردآوری مستندات مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی و تحلیل و بررسی آنها محتواهای استنباطی مربوط به هر گزاره، استخراج و در یک فرم قرار گرفت؛ در مرحله بعد با توجه به اشتراک‌های معنایی محتواهای استنباطی حول چند محور کلی با به کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی به دست آمد. مستندات مربوط به هر مؤلفه مجزا در یک فرم قرار داده شد و برای روایی‌سنجی در اختیار ده نفر از کارشناسان قرار گرفت که دارای سابقه تحصیل در مقطع خارج فقه و اصول و نیز تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته روان‌شناسی بودند. درنهایت هم پس اعمال و اصلاح نظر داوران چهار مؤلفه برای آسیب‌رسانی اجتماعی به دست آمد.

1. chain or network sampling.

2. Schultz.

3. content validity ratio.

4. content validity index.

مؤلفه یک: آزارگری جسمی

براساس یافته‌های این پژوهش یکی از مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی، آزارگری جسمی و شکنجه کردن دیگران است. مؤلفه آزارگری جسمی در این پژوهش براساس مفهوم تعذیب، استکبار و همانند آن به دست آمد (طباطبایی، ۱۳۸۵). آزارگری جسمی به عنوان نوعی رفتار آسیب‌زننده و غیراخلاقی تعریف می‌شود که هدف آن تحمیل درد، رنج جسمی بر فرد دیگر به صورت عمدی و با هدف تسلط، تنبیه یا ارضای نیازهای بیمارگونه است. این رفتار معمولاً در موقعیت‌های سوءاستفاده از قدرت رخ می‌دهد و با آسیب‌های جدی به سلامت جسمی قربانی همراه است. افراد در این حالت به دلیل انگیزه‌های مختلفی ممکن است دست به این کار بزنند، از جمله احساس برتری، نیاز به کنترل دیگران یا لذت از دیدن رنج دیگران (سادیس‌م). قرآن از افرادی نام برده که موجب آزارگری جسمی در دیگران می‌شوند؛ یکی از نمونه‌های بارز آن فرعون است. آزارگری جسمی فرعون در منابع اسلامی به عنوان یکی از نمادهای ظلم و استبداد مطرح شده است. فرعون به دلیل قدرت طلبی و سرکشی علیه خداوند به آزار جسمی و روحی بنی اسرائیل دست زد و ظلم‌های فراوانی مرتکب شد که در قرآن و روایات بدان‌ها اشاره می‌شود. بنابر یافته‌های این پژوهش یکی از مصادیق آزارگری جسمی «قتل» است که به عنوان شدیدترین مصداق آزارگری جسمی است. در قرآن بارها به ستمگری فرعون و اقدامات او برای شکنجه قوم بنی اسرائیل اشاره شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ خَبَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكَ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ...» (بقره/۴۹)؛ همچنین در آیه ۴ سوره قصص می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ...»، فرعون از ترس از دست دادن قدرت دستور داد که هر پسر تازه تولد یافته از بنی اسرائیل کشته شود؛ همچنین پس از بعثت حضرت موسی (ع)، فرعون پیروان او را به بدترین شکل مورد شکنجه‌های جسمی قرار می‌داد و وقتی جادوگرانی که برای مقابله با موسی آمده بودند به خدا ایمان آوردند، فرعون آنها را تهدید کرد و سپس به دار آویخت: «لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ...» (طه/۷۷).

مؤلفه دو: آزارگری زبانی

یکی از مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی «آزارگری زبانی» است که آن یکی از موضوعات مهم در اخلاق اسلامی می‌باشد که آثار و پیامدهای آن در منابع اسلامی به تفصیل بیان شده است.

از دیدگاه اسلام، زبان ابزاری قدرتمند است که می‌تواند هم موجب خیر و برکت شود و هم به شدت زیان‌آور باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره کنترل زبان می‌فرماید: «مَنْ ضَمِنَ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَتِهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ ضَمِنْتُ لَهُ الْجَنَّةَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱۱). امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «كَمْ مِنْ دَمٍ سَفَكَهُ فَمٌّ» (تمیمی آمدی، ص ۵۱۲)، یعنی چه بسیار خون‌هایی که با حرف و سخن بر زمین ریخته شد. تمسخر افراد یکی از مصادیق آزارگری زبانی می‌باشد که در آیات و روایات از آن نکوهش شده است، خداوند به مؤمنان سفارش می‌کند که هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره کند (حجرات/۱۱). در قرآن به نمونه‌هایی از این نوع اشخاص که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را مسخره می‌کردند اشاره شده است: «وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (انبیاء/۳۶)؛ در ذیل این آیه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر ابوسفیان و ابوجهل گذشت. ابوجهل به تمسخر گفت: به پیامبر بنی عبدمناف بنگر! ابوسفیان گفت: مگر چه می‌شد اگر پیامبری از بنی عبدمناف بود. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پاسخ به ابوجهل به ابوسفیان گفت: تو نیز از سر تعصب سخن گفته‌ای! خداوند درباره آنان این آیه را فرمود (میددی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۴۷). غیبت یکی دیگر از مصادیق آزارگری زبانی است که خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات، غیبت را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده است: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» این آیه به شدت از غیبت نهی می‌کند و آثار مخرب آن را در روابط اجتماعی یادآور می‌شود.

تهمت و افتراء یکی دیگر از مصادیق آزارگری زبانی است؛ خداوند در آیه ۴ سوره نور به کسانی که بدون دلیل به دیگران تهمت می‌زنند وعده عذاب سخت می‌دهد: «وَالَّذِينَ يَزُمُونَ الْمَخْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً»، این آیه به آثار حقوقی و اخلاقی افتراء اشاره دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در مذمت تهمت می‌فرماید: «لَا قَحَّةَ كَالْبُهْتِ» هیچ بی‌شرمی و وقاحتی چون بهتان زدن نیست (تمیمی آمدی: ص ۷۶۸).

سخن‌چینی و نَمّامی یکی دیگر از مصادیق آزارگری زبانی است؛ خداوند در قرآن، افرادی را که سخن‌چینی می‌کنند نکوهش کرده است: «هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ» (قلم/۱۰). این رفتار به تفرقه‌افکنی و آسیب به وحدت اجتماعی می‌انجامد.

افشای اسرار یکی از آزارگری‌های زبان به شمار می‌رود؛ اسلام بر حفظ اسرار دیگران تأکید بسیار دارد. از افشای راز دیگران به عنوان خیانت به امانت یاد می‌شود؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ» (مجلسی، ج ۷۴، ص ۸۹).

نیش‌زبان و ناسزاگویی از مصادیق دیگر آزارگری زبانی است؛ پیامبر ﷺ فرمود: «لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالظَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِي» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۶۵۸).

مؤلفه سه: زیرپا گذاشتن حقوق دیگران

یکی از مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی زیرپا گذاشتن حقوق دیگران و بهره‌کشی و استثمار آنها، به ویژه قشر ضعیف، محروم و کارگر است. این مصادیق را می‌توان در قالب افرادی شناسایی کرد که با رفتارهای ناعادلانه، ظلم و ستم به دیگران روا می‌دارند. ظالمان در اسلام به کسانی گفته می‌شود که حقوق دیگران را پایمال می‌کنند. کسانی که از دسترنج کارگران یا محرومان بدون پرداخت مزد عادلانه بهره می‌گیرند در زمره ظالمان قرار می‌گیرند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/۲۲۷). در ادامه برخی از مصادیق مشخص بهره‌کشی در منابع اسلامی ارائه می‌شود.

افرادی که از زحمت کارگران بهره‌مند می‌شوند، اما مزد آنها را نمی‌پردازند یا پرداخت آن را به تعویق می‌اندازند از جمله بهره‌کشان به شمار می‌روند. افرادی که ثروت خود را از راه ظلم به دیگران، استثمار نیروی کار یا انحصار منابع عمومی به دست می‌آورند، در منابع اسلامی به شدت نکوهش شده‌اند. قرآن کریم از گروهی یاد می‌کند که به انباشت ثروت و بی‌توجهی به نیازمندان می‌پردازند و آنها را سرزنش می‌کند (ر.ک: فجر/۲۰۱۵).

کارفرمایانی که حقوق کارگران را نمی‌دهند و یا آن را به تعویق می‌اندازند؛ از مصادیق عدم رعایت حقوق دیگران می‌باشد که در احادیث اسلامی به شدت از آن نکوهش شده است. چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أُجْرَتَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۶۰).

رباخواری یکی از مصادیق زیرپا گذاشتن حقوق دیگران است، کسانی که از راه ربا ثروت‌اندوزی کرده، و از نیازمندی افراد برای کسب سود سوء استفاده می‌کنند در زمره بهره‌کشان مالی قرار می‌گیرند. خداوند در آیه ۲۷۵ سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ».

بازرگانان و دلالان سودجو یکی دیگر از مصادیق زیرپا گذاشتن حقوق دیگران هستند، کسانی که از نیاز مردم سوء استفاده کرده و با احتکار کالاها یا افزایش بی‌دلیل قیمت‌ها به

دنبال سودجویی هستند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْمُخْتَكِرُ مَلْعُونٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۲۹۲) احتکار کردن، به‌ویژه در زمان نیاز مردم، بهره‌کشی از نیاز جامعه است.

مسئولین ظالم یکی از مصادیق بهره‌کشی از دیگران هستند؛ افرادی که مسئولیتی دارند و از جایگاه خود برای استثمار مردم، ظلم به طبقات پایین جامعه می‌کنند و این مصداق آشکار بهره‌کشی هستند. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر فرمود: «بپرهیز از اینکه از مردم چیزی را به زور بگیری یا به ناحق به کار بگیری که این کار موجب فساد تو در دنیا و آخرت است». ظالمان به یتیمان از دیگر افرادی هستند که در منابع اسلامی به عنوان بهره‌کش از دیگران یاد شده‌اند؛ کسانی که از دارایی یا حقوق یتیمان بهره‌کشی کرده، آن را غصب می‌کنند، در قرآن از آنان به شدت مذمت شده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» (نساء/۱۰۰).

یکی دیگر از مصادیق و نمونه‌های زیرپا گذاشتن حقوق دیگران، شکستن عهد و پیمانی است که با دیگران می‌بندند. خداوند در قرآن با یک دستور کلی، وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱)؛ عدم التزام به تعهدات از دیگر مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی می‌باشد که در منابع اسلامی به آن اشاره شده است: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» (بقره/۲۷)؛ در آیات دیگر نیز در مورد این نوع اشخاص می‌فرماید: «فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/۸۲).

بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر ریشه اصلی اینکه افرادی حقوق دیگران را زیرپا می‌گذارند بدان برمی‌گردد که این افراد بیش از اندازه سنگ دل و بی‌رحم هستند؛ در واقع دل‌های این افراد سخت می‌شود و از مشاهده مناظر رقت‌آور و از شنیدن سخنان تأثیرپذیر، متأثر نمی‌شود که به این حالت قساوت قلب گویند و در فارسی از آن به سنگدلی تعبیر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۲۵). خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (مائده/۱۳). بی‌رحمی یک ویژگی شخصیتی در این نوع افراد است که شامل بی‌تفاوتی کامل نسبت به رنج افراد یا حیوانات دیگر و نیز تمایل به آزار دیگران است. این اشخاص همواره می‌کوشند از دیگران استفاده و سوءاستفاده کنند، اصولاً توانایی همدردی و همدلی ندارند و خود را جای دیگران نمی‌توانند بگذارند؛ دیگران را به عنوان شیء و کالا می‌بینند و برای انسان‌ها، ارزش انسانی قائل نیستند (قمی، ۱۳۸۲: ۶۶).

مؤلفه چهار: توطئه‌گری اجتماعی

توطئه‌گری اجتماعی نمونه‌ها و مصادیق زیادی دارد؛ یکی از نمونه‌ها و مصادیق آن، مکر و نیرنگ است. این‌گونه اشخاص درصدد آن هستند که با فریبکاری و حيله‌گری کارهای خود را پیش ببرند. فخر رازی معنای اصلی مکر را در لغت کوشش مخفیانه برای ایجاد فساد می‌داند (رازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۳۵). فریبکاری دیگران، یکی از مصادیق آسیب‌رسانی‌های اجتماعی می‌باشد که گناهی بزرگ و از نظر قرآن و معارف الهی، غیرمشروع و خیانت به مردم است (نراقی، ۱۳۹۰: ۲۴۶). در منابع اسلامی، مسائلی درباره مکرورزی و نیرنگ بیان شده که با توجه به آن آیات می‌توان گفت: مکر در نگاه اسلامی، ابزاری برای نیت‌های مذموم به کار می‌رود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (فاطر/۴۳). فریب‌دهندگان در معامله کسانی هستند که در تجارت تقلب می‌کنند یا با فریبکاری سود ناعادلانه به دست می‌آورند که مصداقی از بهره‌کشی اقتصادی‌اند. قرآن درباره کم‌فروشان می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ؛ وای بر کم‌فروشان» (مطففین/۱). سوداگران حق دیگران، کسانی هستند که حق دیگران را با زور یا فریب به دست می‌آورند و از آن بهره‌برداری می‌کنند.

دروغ‌گویی از نمونه‌ها و مصادیق دیگر توطئه‌گری اجتماعی است. دروغ در لغت به معنای سخن نادرست، خلاف حقیقت و واقعیت است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۳۴). در منابع اسلامی دروغ‌گویی به عنوان یک بیماری روانی دانسته شده است؛ برای نمونه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «عَلَّةُ الْكَذِبِ أَقْبَحُ عِلَّةٍ؛ بیماری دروغ‌گویی زشت‌ترین بیماری است (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۶۷۶) و «أَرْبَعُ تَشْيِئَاتٍ الرَّجُلُ الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ وَالشَّرُّ وَسُوءُ الْخُلُقِ (نیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۴) و نیز: «أَحْذَرُ فُحْشِ الْقَوْلِ وَالْكَذِبِ فَإِنَّهُمَا يُزْرِيانِ بِالْقَائِلِ» (همان: ۲۷۹).

دروغ زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر است. قرآن می‌فرماید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج/۳۰). در این آیه دروغ به عنوان عملی ناپاک و مذموم معرفی شده است.

در بخش کمی پژوهش به منظور سنجش روایی مقولات فرعی و اصلی، این مقولات همراه با مستندات و استدلال‌های مرتبط در قالب یک فرم به ده کارشناس تحصیل‌کرده در علوم اسلامی و روان‌شناسی ارائه شد. در این فرم مطابقت مقوله‌های اصلی و فرعی با مستندات و نیز ضرورت آنها در این شبکه مضامین ارزیابی گردید. براساس پیشنهاد لین (۱۹۸۶)، شاخص

روایی محتوا (CVR) برای هر مؤلفه باید حداقل ۰/۷۸ باشد؛ افزون بر این، حداقل مقدار شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) برای تصمیم‌گیری درباره حذف یا بازنگری مؤلفه‌ها، زمانی که تعداد کارشناسان ارزیاب ده نفر باشد برابر ۰/۶۲ است (حاجی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۰). نتایج این بررسی به اختصار در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: نتایج محاسبه شاخص روایی محتوا (CVR) و نسبت روایی محتوا (CVR)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	CVI	CVR
آزارگری جسمی	شکنجه	۱	۰/۹
	قتل	۰/۹	۰/۹
آزارگری زبانی	سخن‌چینی و نمایی	۰/۸	۱
	استهزاء و تمسخر	۱	۱
	غیبت	۰/۹	۱
	تهمت و افتراء	۱	۱
	افشای اسرار	۰/۸	۰/۹
	نیش‌زبان و ناسزاگویی	۱	۰/۹
زیرپا گذاشتن حقوق دیگران	عدم پرداخت دسترنج کارگران	۰/۸	۰/۹
	رباخواری	۰/۸	۰/۵
	احتکار	۰/۸	۰/۵
	مسئولین ظالم	۰/۸	۰/۵
	دلالت سودجو	۰/۸	۰/۸
	خوردن حق یتیم	۰/۹	۰/۸
	شکستن عهد و پیمان	۰/۹	۰/۸
توطئه‌گری اجتماعی	مکر و نیرنگ	۱	۰/۸
	دروغگویی	۰/۹	۰/۸

نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد برای تمام مؤلفه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی، مقدار شاخص روایی محتوا بیشتر از ۰/۷۸ است؛ بنابراین می‌توان گفت تمام مقولات در این شبکه مضامین با مستندات قرآنی، روایی و تفسیری مطابقت دارد، اما میزان شاخص نسبت روایی محتوا برای هر مقوله، چنانچه تعداد کارشناسان ده نفر باشد، باید بیشتر از ۰/۶۲ به دست آید. جدول ۱ نشان می‌دهد چهار مؤلفه این شبکه مضامین نمره $CVR=1$ کسب کرده‌اند؛ این مقدار بدان معناست که این مقولات بدون هیچ مخالفتی از سوی تمام کارشناسان ضروری دانسته شده است. در میان نتایج CVR، مقوله احتکار و رباخواری و

مسئولین ظالم با میزان ۵/۰٪ نیز وجود داشت که میزان آن از حد نصاب کمتر بود. پس می‌توان گفت درنهایت مؤلفه‌های آسیب‌شناسی روانی مشتمل بر چهار مقوله اصلی و چهارده مقوله فرعی به ترتیب ذیل است:

- آزارگری جسمی مشتمل بر شکنجه و قتل؛
- آزارگری زبانی مشتمل بر سخن چینی و نَمّامی، استهزاء و تمسخر، غیبت، تهمت و افتراء، افشای اسرار، نیش زبان و ناسزاگویی؛
- زیرپا گذاشتن حق دیگران مشتمل بر عدم پرداخت دسترنج کارگران، دلالان سودجو، خوردن حق یتیم، شکستن عهد و پیمان؛
- توطئه‌گری اجتماعی مشتمل بر مکر و نیرنگ، دروغ‌گویی.

علل و پیامد آسیب‌رسانی جسمی

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر تحلیل روان‌شناختی آسیب‌رسانی اجتماعی می‌باشد، به دست آوردن علل زمینه‌ساز و پیامدهای آسیب‌زای آن موجب می‌شود که روابط عمده در میان جنبه‌های مزبور روشن شود. آسیب‌رسانی جسمی یکی از مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی است؛ علل آن عبارت‌اند از: الف) خودبزرگ‌بینی: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَنْبَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۴؛ ب) قدرت و سلطنت: «وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» (زخرف/۵۱ و ۵۲؛ ج) حسادت: «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (يوسف/۸؛ د) طغیان: «إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَجِّجُونَ أَنْبَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (ابراهيم/۶؛ و) دنیاگرایی: «رَبِّينَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره/۲۱۲؛ ز) زیاده‌خواهی: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا ثَبَّتِ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمُسْكِنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره/۶۷؛ ح) جهالت: «يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيْمَسُّهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل/۵۹؛ ط) فقر: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ

حَسْبِيَ إِمْلَاقِي خُنَّ نَزْرُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» (اسراء/۳۷)، «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقِي خُنَّ نَزْرُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (انعام/۱۵۷؛ ک) شهوت‌گرایی: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (نساء/۲۲).

آسیب‌رسانی جسمی پیامدهایی دارد، همچون: الف) نپذیرفتن حقائق: «فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لِسِحْرٌ مَبِينٌ قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُونَ» (یونس/۷۷) و «وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءٌ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (نمل/۱۲).

علل و پیامدهای آزارگری زبانی

آسیب‌رسانی زبانی یکی از مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی است؛ علل آن عبارت‌اند از: الف) دورویی: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُحْضِرُ مَا تَحْذَرُونَ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ» (بقره/۶۴ و ۶۵؛ ب) خودبرتربینی: «يَكُنْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الانْسُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۷)؛ «فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا» (اسراء/۱۰۱)؛ «إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاجِرٌ كَذَّابٌ» (غافر/۲۴)؛ «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ» (یونس/۷۵؛ ج) مدرک تحصیلی: «فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (غافر/۸۳) و ثروت: «وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لِهْ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (همزه/۲)؛ د) دنیامداری: «زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره/۲۱۲)؛ رفاه‌زدگی: «ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» (جاثیه/۳۵).

آزارگری زبانی پیامدهایی دارد، همچون: الف) فراموشی یاد خدا: «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ»؛ ب) هلاکت دنیوی: «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبَأٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ، فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ» (زخرف/۷).

علل و پیامدهای زیرپا گذاشتن حقوق دیگران

زیرپا گذاشتن حقوق دیگران یکی از مؤلفه‌های آسیب‌رسانی اجتماعی است؛ علل آن عبارت‌اند از: الف) جهل و شقاوت: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَلَا تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَلَا تَخَيِّنَنَّ بِعَهْدِكَ وَلَا تَخْلِنَنَّ عِدْوَكَ فَإِنَّهُ لَا يَحْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ امام علی علیه السلام شکستن عهد

و پیمان (زیرپا گذاشتن حقوق دیگران) را از مصادیق گستاخی بر خداوند دانسته اند و علت آن را جهل و شقاوت می‌دانند؛ ب) هوسرانی و مجالست زیادی با زنان: پیامبر اکرم ﷺ فرمود چهار چیز قلب را می‌میراند: ۱. گناه بر روی گناه افزودن؛ ۲. هم‌سخن شدن و مجالست زیادی با زنان؛ ۳. مشاجره با احمق؛ ۴. همنشینی با مردگان. عرض شد یا رسول‌الله منظور از مردگان چیست؟ فرمود: هر توانگر خوشگذران (محمدری شهری، ۱۳۸۴: ۱۷۰۲۳) امام علی علیه السلام فرمود: «مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ وَ تُزِيعُ الْقُلُوبَ (همان: ۵۰۰۴). حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ النَّظَرَ إِلَى الْمُخَدَّرَاتِ فَإِنَّهَا بَذُرُ الشَّهَوَاتِ وَ نَبَاتِ الْقِسْوَةِ (گیلانی، ۱۳۷۷: ۲۷۷)؛ ج) غفلت: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حیدر/۱۶)؛ امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَ الْغَفْلَةَ ففِيهَا يَكُونُ قِسَاوَةُ الْقَلْبِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۱۶۴)؛ د) ازدیاد گناهان: حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقِسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتْ الْقُلُوبُ إِلَّا بِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ» (صدوق، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ ه) آرزوهای طولانی: خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «لَا تَطْوُلْ فِي الدُّنْيَا أَمْلَكَ فَيَقْسُوا قَلْبُكَ وَ الْقَاسُ الْقَلْبِ مَتَى بَعِيدٌ» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۳۴۰۲؛ و) ثروت و مال زیاد: حضرت علی علیه السلام فرمود: «كَثْرَةُ الْمَالِ مُفْسِدَةٌ لِلَّذِينَ وَ مَقَاسَةٌ لِلْقَلْبِ» (همان: ۵۰۰۴)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که ای موسی! از افزونی اموال خوشحال مباش و یاد مرا در هیچ حال ترک مکن؛ زیرا افزونی مال غالباً موجب فراموش کردن گناهان است و ترک یاد من قلب را سخت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷: ۵۵)؛ ز) نگاه کردن به بخیل: حضرت علی علیه السلام فرمود: «النَّظَرُ إِلَى الْبَخِيلِ يُقْسِي الْقَلْبَ» (ری شهری، ۱۳۸۴: باب ۳۴۰۲: ۱۶۷۹؛ ح) پرخواهی: امام صادق علیه السلام فرمود: «كَثْرَةُ الثُّومِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثَرَةِ الشَّرْبِ وَ كَثَرَةِ الشَّرْبِ مِنْ كَثَرَةِ الشَّبَعِ وَ هُمَا يَتَقَالَنِ النَّفْسِ عَنِ الطَّاعَةِ وَ يَقْسِيَانِ الْقَلْبَ عَنِ التَّفَكُّرِ وَ الْحُشُوعِ» (دستغیب، ۱۳۸۸: ج ۱: ۲۴۳؛ ط) پرخوری: پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۶: ۳۳۸؛ ی) پرگوئی: پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَكْثُرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تَقْسُو الْقَلْبَ» (ری شهری، ۱۳۸۴: باب ۳۴۰۲: ۱۶۷۰).

زیرپا گذاشتن حقوق دیگران پیامدهایی دارد، همچون: الف) ناایمنی: پیامبر ﷺ فرمود: «الْقَاسِي الْقَلْبِ الْبَعِيدُ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يَرْجَى غَيْرُ الْمُأْمُونِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يَتَّقِي» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۲۹۱؛ ب) عدم پذیرش حقایق: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۴۲ و ۴۳؛ ج)

نامهربانی: «فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» (مائون/۲؛ د) از بین رفتن اعتماد: حضرت علی علیه السلام فرمود: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مِنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۸۳) و (ه) فساد روی زمین: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره/۲۷).

علل و پیامدهای توطئه گری اجتماعی

یکی دیگر از مؤلفه های آسیب رسانی اجتماعی، توطئه گری اجتماعی است؛ علل آن عبارت اند از: الف) حرام خواری: امام حسین علیه السلام رفتار و کردارهای زشت لشکریان پرسرعد در کربلا را برخاسته از حرام خواری و لقمه حرام می داند که شکم هایشان به آن انباشته شده است. آن حضرت علیه السلام به آنها ضمن خطبه اش فرمود: «فَقَدْ مُلِئْتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطِيعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَتِلْكَمُ الْأَنْصُسُونَ» (دستغیب، ۱۳۷۴: ۳۹۰؛ ب) حسادت: «وَأَثُلَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ» (مائده/۲۷)؛ قابیل به جهت حسادتی که برادر خود داشت تصمیم به قتل وی گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۴۹). در داستان برادران حضرت یوسف علیه السلام، به دلیل حسادتی که به برادر خود داشتند با دروغگویی پدر را راضی کردند که یوسف علیه السلام را با خود به گردش برند و به دروغ گفتند ما مواظب او هستیم که خداوند با اشاره به آن می فرماید: «أَرْسَلَهُ مَعَنَا عَدَا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف/۱۲؛ ج) پیروی از هوای نفس: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ» (مائده/۳۰)؛ خداوند به دروغ زلیخا به واسطه هوسرانی خود اشاره دارد: «وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَيْصُةٌ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (یوسف/۲۵؛ د) جهالت: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل/۵۸ و ۵۹)؛ امام علی علیه السلام می فرماید: «هیچ عاقلی دروغ نمی گوید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۶۶؛ ۳۱۳؛ ه) خود بزرگ بینی: «اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (فاطر/۴۳) و «وَإِذْ جَعَلْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (بقره/۴۹؛ و) ترس از فقر: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (اسراء/۳۱؛ ز) قدرت: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَارًا مَجْرُمِينَ لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (انعام/۱۲۳؛ ح) طغیان: امام علی علیه السلام فرمود: «المَكْرُ شِيْمَةُ الْمَرْدَةِ؛ مَكْرٌ وَحِيلَةٌ خَصْلَتُ سِرْكَشَانِ اسْت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۶۴؛ ط) پرگویی: امام علی علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَاهْدَرْ فَنَ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَتْ أَثَامُهُ» (همان: ۲۸۹) و (ی) جلب نظر دیگران: «يُخْلِفُونَ لَكُمْ

لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (توبه/۹۶).

توطئه‌گری اجتماعی پیامدهایی دارد، همچون: الف) بی‌ارزشی: امام علی علیه السلام فرمود: «كَثْرَةُ كَذِبِ الْمَرْءِ تُذْهِبُ بَهَاءَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۳؛ ب) پستی روح: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹: ۲۶۲؛ امام علی علیه السلام فرمود: «ثَمَرَةُ الْكَذِبِ الْمَهَانَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ فِي الْآخِرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۱) و «الْمَكْرُؤُومُ الْحَدِيْعَةُ شُوْمٌ» (همان: ۳۳۹؛ ج) بی‌حیایی و پرده‌داری: امام علی علیه السلام فرمود: «لَا حَيَاءَ لِكُذَّابٍ» (همان: ۵۶۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از دروغ پرهیزید، سرانجام دروغ پرده‌داری و سرانجام پرده‌داری دوزخ است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۸۶) و د) بی‌آبرویی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کم‌آبروترین مردم کسی است که دروغ می‌گوید (همان: ۸). در بخش کمی پژوهش به منظور سنجش روایی این مقولات همراه با مستندات و استدلال‌های مرتبط در قالب یک فرم به ده کارشناس تحصیل‌کرده در علوم اسلامی و روان‌شناسی ارائه شد. نتایج این بررسی به طور اختصار در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: نتایج محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	CVI	CVR
آزارگری جسمی	خودبزرگ‌بینی	۱	۱
	قدرت و سلطنت	۱	۰/۹
	حسادت	۰/۸	۰/۹
	طغیان	۰/۹	۰/۸
	دنیاگرایی	۰/۸	۰/۸
	زیاده‌خواهی	۰/۸	۰/۸
	فقر	۰/۸	۰/۹
	شهوت‌گرایی	۰/۹	۰/۹
آزارگری زبانی	دروویی	۰/۸	۰/۸
	خودبرتربینی	۱	۰/۹
	مدرک تحصیلی	۰/۹	۰/۸
	دنیامداری	۱	۰/۹
	رفاه‌زدگی	۰/۹	۰/۹
	جهل و شقاوت	۰/۸	۰/۸
زیرپا گذاشتن حقوق دیگران	هوسرانی و مجالست زیادی با زنان	۱	۰/۸
	غفلت	۰/۹	۰/۸
	ازدیاد گناهان	۰/۹	۰/۸
	آرزوهای طولانی	۰/۸	۰/۹
	ثروت و مال زیاد	۰/۸	۰/۹

۰/۸	۰/۹	نگاه کردن به بخیل	
۰/۸	۰/۸	پرخوری	
۰/۸	۰/۸	پرگویی	
۰/۹	۰/۸	عدم امنیت	
۰/۸	۰/۹	عدم پذیرش حقایق	
۰/۹	۰/۹	نامهربانی	
۰/۸	۰/۸	از بین رفتن اعتماد	
۰/۸	۰/۹	فساد روی زمین	
۰/۹	۰/۹	حرام‌خواری	توطئه‌گری اجتماعی
۰/۸	۰/۹	حسادت	
۰/۸	۰/۸	پیروی از هوای نفس	
۰/۸	۰/۹	ترس از فقر	
۰/۸	۰/۸	طغیان	
۰/۸	۰/۸	پرگویی	
۰/۸	۰/۸	جلب نظر دیگران	
۰/۸	۰/۸	بی‌ارزشی	
۰/۸	۰/۹	پستی روح	
۰/۸	۰/۹	بی‌حیایی و پرده‌داری	
۰/۹	۰/۸	بی‌آبرویی	

نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد برای ۳۳ علل و پیامد مؤلفه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی، مقدار شاخص روایی محتوا بیشتر از ۰/۷۸، برای پنج علل و پیامد کمتر از ۰/۷۸ است؛ بنابراین می‌توان گفت: ۳۳ مقوله در این شبکه مضامین با مستندات قرآنی، روایی و تفسیری مطابقت دارد، اما میزان شاخص نسبت روایی محتوا برای هر مقوله در صورتی که تعداد کارشناسان ده نفر باشند، باید بیشتر از ۰/۶۲ به دست آید. جدول ۱ نشان می‌دهد پنج مقوله این شبکه مضامین نمره ۱= CVR کسب کرده‌اند، این مقدار بدین معناست که این مقولات بدون هیچ مخالفتی از سوی تمام کارشناسان ضروری دانسته شده است. در میان نتایج CVR، ده مقوله با میزان ۰/۵ نیز وجود داشت که میزان آن از حد نصاب کمتر بود؛ بنابراین می‌توان گفت: در نهایت علل و پیامدهای آسیب‌شناسی روانی مشتمل بر ۲۷ علل و پیامد است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد آسیب‌رسانی اجتماعی با واژه‌ها و گزاره‌هایی در

منابع اسلامی بیان شده است، مانند: مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ، الَّذِينَ تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ، الَّذِينَ يَسْتَهْزِئُونَ، الَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُحْصَنَاتِ، الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ، فَاسِيهِ الْقَلْبِ، الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ، الْمَكَارِ، الْقَاتِلِ، الْكَاذِبِ، شَاهِدِ الزُّورِ، الْمُنَافِقِينَ، مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا، مَنْ خَانَ مُسْلِمًا.

نخستین مؤلفه آسیب‌رسانی اجتماعی، آزارگری جسمی بود. بنابر یافته‌های پژوهش آزارگری جسمی حالتی است که در آن فرد از خود، رفتارهای بی‌رحمانه و تهاجمی نشان می‌دهد که همراه با آزدن و رنجاندن طرف مقابل است؛ چنین افرادی فاقد همدلی و نگرانی نسبت به دیگران هستند و از رنج کشیدن دیگران لذت می‌برند. این مؤلفه شامل لذت بردن از آزار و اذیت جسمی دیگران است.

رابرت رسلر^۱ (۱۹۷۰) معتقد است هرچند فرایندهای اساسی انگیزشی در این افراد مشابه سایر افراد غیرقاتل است، اما این اشخاص دارای اهداف خاص، اسناد مختلف و بالاتر از همه شناخت‌های نادرست یا مغرضانه هستند. به‌طور کلی قاتلان و به‌ویژه قاتلان زنجیره‌ای، اغلب آنچه را انجام می‌دهند که نیازشان را برآورده می‌کند و از خشونت به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌برند.

دومین مؤلفه آسیب‌رسانی اجتماعی، آزارگری زبانی بود؛ این افراد کسانی هستند که دیگران را با گفتار یا زبان بدن مورد اهانت و تمسخر قرار می‌دهند، مانند: اشاره با چشم و دیگر اعضای بدن به قصد تحقیر و توهین. البته گاهی نیز با اهدافی دیگر مانند فراهم کردن زمینه خوشحالی و سرور خود و دیگران یا تقویت روحیه خود و تضعیف روحیه بقیه و یا برای جبران کمبود شخصیت، ارضای روحیه دیگرآزاری و مانند آن انجام می‌پذیرد (نراقی، ۱۳۷۷: ۵۲). از نظر علامه طباطبایی بی‌احترامی به دیگران، گاه با زبان و گاه با عمل است، مانند اشاره، کنایه، تعریض و تقلید حرکات و گفتار؛ به‌گونه‌ای که بینندگان و شنوندگان از آن سخن، اشاره یا تقلید بخندند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۴۸۱).

سومین مؤلفه آسیب‌رسانی اجتماعی، زیرپا گذاشتن حقوق دیگران بود. این افراد کسانی هستند که هرگونه معاهده یا قانون و حقوقی را که مراعات آن ضروری است، به صورت عمدی نقض و زیرپا می‌گذارند. این مؤلفه آثار مخرب اجتماعی بسیاری دارد. درحقیقت هیچ اجتماعی راه زندگی و پیشرفت به سوی مقاصد خود را جز به وسیله پایبندی به معاهدات هموار نمی‌بیند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هیچ موضوعی مانند وفای به عهد در میان

1. Robert Wrestler

مردم با تمام اختلافاتی که دارند مورد اتفاق نیست، حتی مشرکان نیز پیمان‌ها را در میان خود محترم می‌شمردند، زیرا پیامدهای پیمان‌شکنی را دریافته‌اند (نهج البلاغه: ۲۴۵).

توطئه‌گری اجتماعی چهارمین مؤلفه آسیب‌رسانی اجتماعی است. دهخدا (۱۳۷۷) معتقد است توطئه‌گری اجتماعی به معنای تدبیر برای ضرر رساندن و یافتن راه‌هایی پنهان برای اذیت رساندن به افراد جامعه یا منصرف کردن آنها از تصمیم خودشان به وسیله فریب دادن و دروغ به آنهاست. بنابر آموزه‌های منابع اسلامی، یکی از حقوق مهم هر مسلمانی در حق مسلمان دیگر این است که او را فریب نداده و با صداقت و یکرنگی با او رفتار کند؛ از این رو اسلام به وحدت، یکپارچگی، صفا و صمیمیت در روابط افراد با یکدیگر (در جامعه و خانواده)، فوق‌العاده اهمیت نشان می‌دهد و حتی فکر خیانت‌آمیز، توطئه، نیرنگ و خدعه در برخورد با برادران و خواهران دینی را نه تنها جایز نمی‌داند، بلکه آن را امری زشت و ناپسند معرفی می‌کند. از نظر اسلام رسیدن به اهداف باید همراه با جوانمردی، تلاش و کوشش باشد؛ بدین صورت که از راه یاری رساندن به یکدیگر انجام شود، نه از راه‌های انحرافی (مانند مکر، حيله و فریب).

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. (۱۳۸۶). قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. آذربایجانی، مسعود و محمدصادق شجاعی. (۱۳۹۳). روان‌شناسی در نهج البلاغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۷. جمعی از مؤلفان. (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). مراحل اخلاق در قرآن. قم: چاپ اسراء.
۹. دیویسون، جرالد؛ نیل، جان؛ کرینگ، آن و شری ال. جانسون. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی روانی. ترجمه مهدی گلستانی. چاپ سوم. تهران: نشر ویرایش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۱۲. سادوک، بنجامین جیمز و سادوک، ویرجینیا. و سادوک، پدرو روثیز. (۱۳۹۴). خلاصه روان‌پزشکی کاپلان و سادوک. ترجمه مهدی گنجی. تهران: ساوالان.
۱۳. شجاعی، محمدصادق. (۱۳۹۵). انگیزش و هیجان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. شولتز، دوان و همکاران. (۱۳۹۶). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۵). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی روانی. بی‌جا. بی‌نا.

۱۷. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر. قم: دارالکتاب.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب.
۲۳. هالجین، ریچارد پی و ویتبورن، سوزان کراس. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی روانی دیدگاه‌های بالینی درباره اختلال‌های روانی براساس DSM-5. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
۲۴. هرگنهان، بی. آر. (۱۳۹۳). تاریخ روان‌شناسی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چاپ سوم. تهران: نشر ارسباران.
۲۵. هیلگارد، ارنست. (۱۳۸۲). زمینه روان‌شناسی هیلگارد. ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران. تهران: رشد.
26. Feist, J. & Feist, G. (2017). Theories of Personality-McGraw-Hill Education.
27. Rosenhan, D. & Seligman, M. (2010). Abnormal Psychology: Psychopathology. Tehran: Arasbaran.
28. Durand, V. M. & Barlow, D. H. (2000). Abnormal psychology: An introduction. Wadsworth/Thomson Learning.
29. Milan, D., Jeon, J. T., Looft, C., Amarger, V., Robic, A., Thelander, M., ... & Andersson, L. (2000). A mutation in PRKAG3 associated with excess glycogen content in pig skeletal muscle. Science, 288(5469), 1248-1251.
30. Viding, E., Larsson, H. & Jones, A. P. (2008). Quantitative genetic studies of antisocial behaviour. Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences, 363(1503), 2519-2527.